

لازم به ذکر است: متن ذیل پیاده شده از صوت درس می‌باشد و هیچگونه ویرایشی روی آن اعمال نشده است.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله تعالی علی سیدنا و نبینا ابوالقاسم محمد و علی آله
الطیین الطاهرین المعصومین لا سیما بقیة الله فی الارضین ارواحنا فداه و عجل الله
تعالی فرجه الشریف.

السلام عَلَى الصَّدِيقَةِ فَاطِمَةَ الرَّكْبَةِ حَبِيبَةَ حَبِيبِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ أُمَّ أَجَنَّاكَ وَ أَصْفِيَاكَ الَّتِي
اِئْتَجَبَتْهَا وَ فَضَّلَتْهَا عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ كُنِ الطَّالِبَ لَهَا مِمَّنْ طَلَمَهَا وَ
اسْتَحَفَّ بِحَقِّهَا وَ كُنِ النَّائِرَ اللَّهُمَّ يَدْمِ أَوْلَادِهَا اللَّهُمَّ وَ كَمَا جَعَلْتَهَا أُمَّ أَيْمَةِ الْهُدَى وَ خَلِيلَةَ
صَاحِبِ اللِّوَاءِ وَ الْكَرِيمَةِ عِنْدَ الْمَلَأِ الْأَعْلَى فَضَّلْ عَلَيْهَا وَ عَلَى أُمِّهَا حَدِيجَةَ الْكُبْرَى صَلَاةً تُكْرِمُ
بِهَا وَجْهَ أَبِيهَا مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ تُقَرِّ بِهَا أَعْيُنَ دُرِّيَّتِهَا وَ أُلُغُهُمْ عَنِّي فِي هَذِهِ
السَّاعَةِ أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَ السَّلَامِ.

خب ایام ايام حزن اهل بیت، ایامی است که شهادت صدیقی طاهره سلام الله عليها
است این نگاهداشتن سوگواری‌های این بزرگواران، به خصوص صدیقی طاهره علاوه بر
عرض ارادت به ساحت قدس آن موالیان بزرگ هست پیوسته کأنّ اسلام خواسته این
مسئله در ذهن‌ها زنده بماند که اسلام در خطر هست راه حق در خطر هست بعد از پیامبر
بزرگ اسلام این‌ها با دسیسه‌های مختلف مسیر را عوض کردند راه را عوض کردند و این
خطر همیشه وجود دارد و امروز هم همین‌طور است شما می‌بینید این تجمّعات مختلف
ولو اندک هست اما این تجمّعات با حرف‌های‌شان، مطالب‌شان، شعارهای‌شان که انسان
نگاه می‌کند این‌ها نظیر همان کارهایی است که در صدر اسلام می‌کردند و می‌خواهند
مسیر را از مسیر حق جدا کنند و دو مرتبه طاغوت را جایگزین کنند، چه معنا دارد که گفته
بشود که فلان طاغوت جای تو خالی است، معنایش این هست که یعنی او به جای اسلام
بیاید؟ به جای ارزش‌ها بیاید؟ بله مشکلات وجود دارد اما این مشکلات از اسلام است؟ از
راه حق است؟ یا مشکلات از ناحیه دشمنان اسلام، عمده‌اش از ناحیه آن‌ها و بخشی
هم از ناحیه کم‌کاری‌ها یا بلد نبودن‌های افرادی یا امثال این امور که حالا لازم نیست بر
آن‌ها تکیه بشود که معلوم هست. بنابراین این وظیفه‌ی مهم برای همه‌ی ما هست که
واقعاً در دفاع از اسلام از حکومت الهی، از این راهی که حضرت امام قدس سره با آن
مجاهدت‌ها، با آن شهادت‌ها، با آن ایثارگری‌ها، با آن مشکلاتی که مردم خداجوی تا به حال
تحمل کردند و خواهند کرد ان شاء الله در صحنه باشید. امروز هم روزی است که وظیفه
داریم که ان شاء الله در این تجمّعهایی که در مقابل اعدای اسلام و برای تقویت اسلام
هست شرکت کنیم هدف من هم از آمدن همین بود که یک چند کلمه‌ای در این باره صحبت
کرده باشیم و چون واجب موسّع هست بخشی از آن را هم ان شاء الله آن‌جا خواهیم
رفت. فقط به اندازه‌ای که امروز هم این مطلبی که در روز آخر درس عرض شد عرض
بکنم این مطلب را بحثی را عرض بکنیم و ان شاء الله شرکت بکنیم در این تجمع مبارکی

که وظیفه مان هست.

خب گفتیم یکی از راه‌هایی که به واسطه‌ی آن می‌توان اثبات کرد که امر به معروف و نهی از منکر در آن معنای جامع استعمال شده عبارت است از این مطلبی که در معقول و علم کلام گفته می‌شود که «الواجبات الشرعية الطائفة فی الواجبات العقلية» که الواجبات هم گفتیم از باب مثال هست. یعنی تشریعات شرعی، محرماتش، واجباتش، احکام وضعیه‌اش، احکام تکلیفیه‌اش، همه‌ی این‌ها الطائفة فی الواجبات العقلية، یعنی چی؟ یعنی خدای متعال شریعت مقدسه را گنره و گزاف که حکم نمی‌فرماید هر حکمی را می‌فرماید یک مصلحت واقعی و نفس الامری پشتوانه‌ی آن هست که عقل اگر آن را درک می‌کرد می‌گفت همین کار را باید کرد. آن‌هایی که شارع واجب کرده است اگر عقل مصالحش را می‌فهمید او هم می‌گفت بله، اگر محرمات را اگر مفاسدش را می‌فهمید عقل هم می‌گفت بله آن هم باید ترک بشود و هکذا، بنابراین ولی چون عقول ما ناقص است و نمی‌تواند به آن حقایق به طور کامل دسترسی پیدا کند شارع آمده لطف فرموده فلذا تشریعات شارع الطائفة فی الواجبات العقلية است. بله عقول کامله مثل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه‌ی هدی علیهم السلام و خلاصه معصومین علیهم السلام، آن‌ها بله چون امور واقعیه را هم درک می‌کنند آن‌ها احتیاج به تشریع مثلاً ممکن است بگوئیم نداشتند اگر خدای متعال تشریع هم نمی‌فرمود آن‌ها می‌فهمیدند که چه باید بکنند و چه باید نکنند. اما برای نوع بشر این‌طوری نیست فلذا الطائفة فی الواجبات العقلية، این مطلبی است که گفته می‌شود خب بر اساس این مطلب گفته می‌شود که عقل ما این مطلب را درک می‌کند که خصوصیتی برای امر و نهی و یک مصلحت خاصه‌ای برای امر و نهی بما لهما من الخصوصیات نیست بلکه آن مصلحتی که در این‌جا وجود دارد سد جلوی مفاسد است بی‌احترامی خدای متعال است هتک حرمت خدای متعال هست و انقاز بشر از مهالک است و رساندن آن‌ها به مصالح‌شان است آن که وجود دارد این هست و این مصلحت راهش منحصر در امر و نهی بمالهما من الخصوصیات نیست بلکه راهش این هست که وادار کنیم افراد را به أئ و سلیة کانت، مگر یک جایی مزاحم اعلائی پیدا بکند. بنابراین با توجه به این که این مروا و انهوا عن المنکر، در حقیقت لطف فی الواجب العقلی، آن واجب عقلی هم یک امری است که خصوصیت ندارد بنابراین می‌فهمیم اگر گفتند که مروا بالمعروف و انهوا عن المنکر یا از باب مثال و نمونه و فردی از افراد را خواستند بگویند یا مرادشان اصلاً از مروا احملا و ابعثوا هست نه با آن خصوصیتی که دارد بنابراین از این قرینه‌ی عقلیه متوجه می‌شویم احد الامرین را که إِمّا این از باب مثال است و إِمّا این که مستعمل فیهِ آن همان ابعثوا و احملا هست. این مطلبی است که گفته شده و ما این را توضیح بیشترش را در سابق در همان جلسات شاید چهل و این‌های سابق عرض کردیم وقتی که در آن مقامی صحبت می‌کردیم که موضوع امر به معروف و نهی از منکر و امر و نهی را توضیح می‌دادیم خب جواب این مسئله هم این هست که ما در باب امر به معروف و نهی از منکر اگر واقعاً احراز می‌کردیم که کلّ مصلحت به جمیع جوانبه و خصوصیات درک می‌کنیم می‌توانستیم این را قرینه قرار بدهیم. اما ما جمیع جوانبه و خصوصیات درک نمی‌کنیم و نمی‌دانیم که لعلّ یک جهت دیگری را هم شارع شاید ملاحظه فرموده یک مزاحمت اعلائی شاید وجود داشته باشد یک مصالح دیگری هم لعلّ وجود داشته باشد بنابراین حدس می‌زنیم حدساً طئياً، نه حدساً قطعياً جزمیاً که هیچ احتمال دیگری در آن وجود نداشته باشد این نیست پس بنابراین چون این‌چنین است نمی‌توانیم تکیه کنیم به این دلیل، بله می‌دانیم این مطلب را تسلیم بشویم که «الواجبات الشرعية الطائفة فی الواجبات العقلية»، این درست است اما به نحو علم اجمالی، اما حالا

آن واجب عقلی بحدوده و ثغوره و خصوصياته چه هست در هر مورد در هر مورد چه هست این را ما واقف نیستیم به او، که همه‌ی خصوصیات آن را بدانیم فلذا هست که آنچه که ما می‌دانیم یک احتمال است یک مظنه است «و الظنّ و الاحتمال لا یغنی من الحق شیئاً» آنچه که نیاز به آن داریم جزم و قطع و یقین است آن هم که حاصل نیست برای ما، بنابراین به دلیل نمی‌توانیم بگوییم حتماً شارع که فرموده است «مروا بالمعروف و انهوا عن المنکر» این مرادش آن معنای عام هست بله برای تأیید در کنار سایر ادله برای تأیید لا بأس به، اما برای این که دلیل باشد و ما طبق آن بخواهیم فتوای این‌چنینی بدهیم برای این مسئله کفایت نمی‌کند. خب حالا به همین اندازه اکتفا می‌کنیم امروز برای این که ان شاء الله در این جلسه‌ی مبارک شرکت کنیم ان شاء الله.

و صلی الله علی محمد و آل محمد.